

زندگی نامه بزرگان کرمانشاه

از سده اول تا سده سیزدهم

فرید یوسفی



انتشارات

سرشناسه: یوسفی، فرشید، ۱۳۱۸.
عنوان و نام پدید آورنده: زندگینامه بزرگان کرمانشاه از سالهای آغازین اسلام تا پایان سده
سیزدهم هجری / فرشید یوسفی
مشخصات نشر: کرمانشاه: باغ نی، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری: ۸۶۸ ص: مصور
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۶۹۹-۹۲-۶
وضعیت فهرست نویسی: فیا
موضوع: کرمانشاهان -- سرگذشتنامه
موضوع: مجتهدان و علما -- ایران -- کرمانشاه -- سرگذشتنامه
شناسه افزوده: عنوان
رده بندی کنگره: ۱۳۹۰ / ۲۰۴۷ DSR
رده بندی دیویی: ۹۵۵/۴۲



انتشارات باغ نی



زندگینامه بزرگان کرمانشاه

مؤلف: فرشید یوسفی
گرافیک داخلی: مزدک شکری کیانی
ناظر فنی چاپ: سعید شرافتی زنگنه
طراح جلد: میرزایی
نوبت چاپ: اول ۱۳۹۱
تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
قیمت با جلد گالینگور ۲۰۰۰۰ تومان
با جلد شومیز ۱۵۰۰۰ تومان



حق چاپ برای مؤلف محفوظ است

دفتر انتشارات

کرمانشاه-خیابان دبیر اعظم-پاساژ حافظ-طبقه چهارم-کتابسرای حافظ
تلفکس: ۷۲۷۷۴۲۶ - ۸۳۱

مقدمه

در هیچ کجای شهر من باغی نیست
کاندر دل لاله‌اش زمن داغی نیست
سپاس و ستایش ایزد دانا و آفریدگار توانا را که یاریم داد تا بتوانم گامی دیگر در
پیشبرد فرهنگ و ادب سرشار دیارم بردارم.

من بی تو نمی‌توانم کرد
گر بر تن من زبان شود هر مویی
احسان تو را شمار نتوانم کرد
یک شکر تو از هزار نتوانم کرد
و درود بر فرستادگان و برگزیدگان حضرتش به ویژه به آخرین آنها در شمار و
نخستین در ارج و اعتبار، و سلام به ائمه طاهرین این گلهای سر سبز کاینات و عرض
ادب به حضور مردان راه خدا که آسمان عرفان را خورشید تابنده اند و ماه درخشنده که
با یاری از دم گرم و انفاس مسیحاییشان توانستم پژوهشی دیگر که زندگی‌نامه بزرگان
دیارمان می‌باشد به محضر دانشمندان و فرهنگ‌مداران همشهریم تقدیم کنم. **کرمانشاه**
از گذشته‌های بسیار دور گهواره تمدن و ادب و هنر بوده که متأسفانه آنطور که باید و
شاید اقدامی شایان توجه در شناخت آن نشده است، این کوتاهی ایجاد پنداری را باعث
شده که مگر این استان از گذشته تاریخی و هنری بی‌بهره بوده و در خشک‌سالی
فرهنگی می‌زیسته است.

بنا بر نظریه دانشمندان و مورخین و باستان‌شناسان که مستند به کند و کاوهای تاریخی و زیست‌شناسی در دامنه کوه‌های زاگرس^۱ و دره‌های سرسبز و خرم آن انجام گرفته، آثار و اشیاء و بازمانده بناهای کشف شده حکایت از گذشته‌های کهن دارد که حتی عمر بعضی‌ها به دوران سوم پارینه سنگی^۲ می‌رسد.

در سال ۱۹۴۹ میلادی در این سامان ابزاری به دست آمده که بوسیله رادیوکربن^۳ سنی بسیار کهن برای آنها مشخص شده است. در غار شکارچیان واقع در کوه بیستون^۴ بقایای استخوان حیوانات همراه با ابزاری نوک تیز و تیغه‌های سنگی چاقو مانند و وسایلی گیره‌ای شکل برای پرداختن پوست شکار و تهیه لباس - که نمودار رعایت اقتصاد شکار بوده - بدست آمده است.

همچنین شکل گرفتن اقتصاد کشاورزی و دامداری زودتر از هر جای دیگر در نواحی استان ما بوسیله مردمان ساکن در آن انجام پذیرفته است. در هزاره یازدهم تا نهم قبل از میلاد - ۱۱ تا ۱۳ هزار سال پیش - ساکنان استان کرمانشاهان از دانه‌های غلات به عنوان غذا استفاده می‌کردند و به اهلی کردن دام‌ها مانند گوسفند و بز می‌پرداختند. کشف آسیاب‌های دستی، هاون، ابزاری داس‌گونه و ظروف سفالین نمودار جهش فکری و دستیابی به تمدن اولیه در مردم این قسمت از جهان بوده است، یکی از کهن‌ترین اقوامی که بعد از غارنشینی به ساختن منزلگاه دست یازیده، پیشینیان ما

۱- یونانیان کوه‌های پشت‌کوه کنونی، کرمانشاهان و کردستان را که امروزه به نام اتاق موسوم است زاگرس می‌نامیدند. این کوه‌ها از شمال غربی به جنوب شرقی کشیده شده و متجاوز از ۱۰۰۰ کیلومتر طول و تا ۲۰۰ کیلومتر عرض دارد ارتفاع این کوه به ۱۰۰۰ تا ۱۷۰۰ متر می‌رسد. در دامنه مرتفع کوه‌های آن بقایای جنگل‌های انبوه بلوط، گردو، یادام وحشی و پسته یافت می‌شود. (فرهنگ معین).

۲- دوران پارینه سنگی به ۶ دوره کوچکتر تقسیم می‌شود که عبارتند از شلتن، آشولن، موسترین، ارانیسین، سولوترن، ماگدالینین. در میان آثاری که از دوران موستر - ۵۵ الی ۳۰ هزار سال پیش - در ایران کشف شده مهمترین آنها غاری در کوه بیستون است که از بقایای استخوان‌های حیوانات فراوانی که در غار شکارچیان مانده مربوط به گوزن و اسب‌های وحشی بودند که این امر وجود جنگل انبوه و دشت وسیع در این منطقه را نشان می‌دهد، وجود اشیاء گوناگون در این غار و اطرافش نشانگر آن است که از همین زمانها آهنگ پیشرفت اقتصادی انسان آغاز شده است. (فرهنگ معین).

۳- روشی است که بوسیله آن قدمت و کهنگی اشیاء را با وسایل فنی تعیین می‌کنند. این وسایل که اخیراً اختراع شده مورد استفاده دانشمندان باستان‌شناس قرار گرفته است. (تاریخ ایران ترجمه کیخسرو کشاورزی).

۴- نام مرکز ولایت کرمانشاهان در عهد هخامنشی بوده و آثار فراوان و پر اهمیتی از زمان غارنشینی و دوران پیش از تاریخ، دوران مادها، سلسله هخامنشی، اشکانیان، ساسانیان، اوایل اسلام، دوران ایلخانان و زمان صفویه در آن وجود دارد و هم اکنون یکی از بخش‌های استان کرمانشاه می‌باشد.

(کرمانشاهان و کردستان تالیف دکتر مسعود گلزاری)

بوده‌اند که تپه آسیاب نزدیک رود قره‌سو^۱ و گنج‌دارا^۲ در منطقه هرسین با گچ‌کاری و طاقچه‌ها و ابزاری تراشیده از سنگ چخماق و ظروف ساخته شده از گل پخته و تاپو شاهد این مدعاست که سن آنها را پایان هزاره دهم و میانه هزاره نهم قبل از میلاد دانسته‌اند. چکیده سخن آنکه این خطه قبل از اسلام از ارزش و اعتبار بالایی برخوردار بوده و تاسده پنجم و ششم هجری نیز همچنان والایی پیشین را داشته است. ابوبکر احمد بن محمد بن اسحاق همدانی معروف به ابن فقیه در البلدان که بسال ۲۹۰ هـ. ق. تدوین یافته می‌نویسد: و او - قباد^۳ - از مداین تا رود بلخ در همه راه هیچ سرزمینی را که هوایش از کرمانشاهان تا گردنه همدان^۴ خوش‌تر و آبش گوارتر و نسیمش لذت‌بخش‌تر باشد نیافت این بود که قرماسین^۵ را ساخت و ویژه خویش کاخی بلند بر روی هزار ستون بنا کرد.

ابوالقاسم محمد بن حوقل بغدادی معروف به ابن حوقل در صورہ الارض که در سده چهارم نوشته شده می‌نویسد: کرمانشاهان شهرست خرم و دارای آب‌های جاری و درختان میوه، در آنجا قیمت‌ها ارزان و علف فراوان و ستور و دام بسیار، همچنین کالای تجاری و عایدات بی‌اندازه.

یاقوت حموی در معجم البلدان که در سده چهارم نگارش یافته آورده است که: قرمیسین شهرست مشهور بین آن تا همدان ۳۰ فرسنگ است.

۱- رودخانه‌ایست که از شهر کرمانشاه می‌گذرد و به رود گاماسیاب یا سیمره می‌ریزد. میرزا مهدی‌خان فرهپور مورخ نامدار می‌نویسد: این رودخانه در قدیم‌الایام اسامی مختلفی داشته و اسم فعلی آن ترکی است - آب سیاه - که از عهد استیلای مغول بر آن اطلاق شده، و از اسامی کهن آن اوله، شواسب یا خواست بوده. (از اوله تا مداین)

۲- از آثار باستانی یا اهمیت در فرمانداری هرسین.

۳- نام دو تن از پادشاهان ساسانی بوده، که در اینجا منظور قباد اول فرزند فیروز اول است.

۴- منظور گردنه اسدآباد است.

۵- قرمیسین، قرماسان، گرماسان، بهترین و نزاده‌ترین نام هر چیز و یا هر محل را باید با توجه به گویش مردمان بومی آن محل جستجو نمود. لذا مردمان بومی این نام را هرگز کرمانشاه تلفظ نمی‌کنند و همه کرماشان می‌گویند که بنا به تحقیق علمی گروهی از دانشمندان، قبل کرماچان و کرماچان یعنی شهر کشاورزان و رعایا بوده است. در اشکال قرماسان و قرمیسین «ین» امالۀ «الف و نون» و علامت پسوند مکان است و «یاء» قبل از «سین» نیز امالۀ «الف ممدوده» در کلمه قرماس است. اعراب اصولاً کلمات دخیل را دست کاری می‌کنند مثلاً «کاف» را به «قاف» و «ش» را به «س» تبدیل می‌کنند. بنابراین کلمه کاشان را قاسان و کومش به قومس و کرماشان به قرماسان می‌نویسند. لذا اینکه کرمانشاه را از لقب بهرام‌شاه ساسانی دانسته‌اند سخت بی‌پایه است.

بی‌شک پندارهای هنری و داشته‌های فرهنگی و باورهای مذهبی همراه با توان فکری و همپا با رشد اقتصادی، کشاورزی و دامداری در مردم این سامان جان گرفته و شکوفایی یافته است که گاه این نیازها بصورت تصویری بر بدنه غارها و دیواره اتاقک‌ها و گاه به شکل ظرفی سفالین یا گوشواره و دست یارهای ظریف تجلی می‌کرده است که خوشبختانه دست طبیعت بعضی از دست‌ساخته‌های نیاکانمان را بعد از سده‌ها از زیر خروارها گل و خاک بیرون کشیده و یا از اعماق غارها بیرون آورده و به موزه‌ها انتقال داده است.

غرض از این مقدمات نه بر شمردن افتخارات تاریخی و دیرینه سالی این سامان است که این خود حالی می‌خواهد و مجال ویژه، و نه مباحث به گذشته‌های درخشان زادگاهم، بلکه انگیزه این است که خوانندگان ارجمند بویژه همشهریان اندیشمند دریابند که برای شناخت شهری با این قدمت و سابقه گام‌های رسایی برداشته نشده است مثلاً بسیاری از ابر مردان و فرهیخته بانوانی بوده‌اند که در زمان زندگیشان رسایی شهرت و آوازه‌ای داشته‌اند و به فراموشی سپرده شده‌اند مثلاً **علی ابن هارون قرمیسینی** نحوی مکنی به **ابوالحسن** که در سده سوم و چهارم می‌زیسته و یا بانو **شهده کاتبه دینوری** که در خوشنویسی و علم حدیث و موسیقی نادره دوران خود بوده و صدها نفر دیگر که بازده کارهایشان تاریخ زندگی یک ملت است.

نوشتن زندگینامه در جهان دانش سابقه‌ای دیرینه دارد. از دست‌کننده‌های دیواره غارها گرفته تا سنگ‌نوشته **بیستون**^۱ که داریوش بزرگ گوشه‌ای از زندگی و پیروزی‌های خود را بیان داشته و همچنین در قرآن مجید و دیگر کتابهای آسمانی که خداوند توانا برای آگاهی دادن به مردم شرح زندگی پیامبران راستین خود همچون آدم، نوح، ابراهیم، یعقوب، یوسف و ... که درود خداوند بر آنها باد را آورده است همه و همه به نوعی در تعریف زندگینامه جای دارد که گوناگونی ویژه‌ای را شامل می‌شود مانند زندگینامه‌های دودمانی، زندگینامه‌های عمومی، طبقات، مزارات، خاطرات، زندگینامه‌های خود نوشت، شرح احوال بزرگان شهر و اما زندگینامه‌های

۱- نام مرکز ولایت **kanpada** (کرمانشاهان) در عهد هخامنشی **Beotania** که بواسطه حجاریها و کتیبه‌های داریوش بزرگ اهمیت جهانی دارد. داریوش در این جا کتیبه‌ای به زبان پارسی باستان و خط میخی مغانشی و یک کتیبه به زبان بابلی و کتیبه دیگر به زبان عیلامی از خود به یادگار نهاده است.

عمومی زیست‌نامه گروهی از پیشینیان همچون روحانیون، دانشمندان، عارفان، سرداران، هنرمندان و ... می‌باشد که طیف گسترده‌ای دارد و ویژه کسانی است که در زمان حیات بارقه‌ای، نمادی، کار خیری، مقاومتی در برابر ستم و ستمگر از خود نشان داده‌اند، که از این نوع می‌توان «وفیات‌الاعیان»^۱ ابن خلکان و یا «شذرات‌الذهب فی اخبار من ذهب»^۲ نوشته ابوالفلاح عبدالحی معروف به ابن عماد و در ایران نمونه‌های ارزشمندی چون «مکارم‌الآثار»^۳ میرزا محمدعلی معلم حبیب‌آبادی و یا «شرح حال رجال ایران»^۴ اثر مهدی بامداد و در کرمانشاه خودمان «دیوان سید عبدالکریم غیرت»^۵ از سید محمد سعید غیرت و «مرآت‌الاحوال جهان‌نمان»^۶ از آقا احمدال آقا را نام برد.

و اما من برای تدوین این کتاب که بیشتر عمر مرا در خود دارد بسیار تلاش کرده‌ام، به تمام مآخذ و منابع و افراد آگاهی که می‌توانستند یاریم دهند مراجعه کردم تا مگر کسی از قلم نیفتد، اما می‌دانم ده‌ها و شاید صدها انسان بلند آوازه و نیکوکار، جایشان در این گردآوری خالی است، که امیدوارم در صورتی که عمر امان بدهد در چاپهای بعد به یاری پژوهندگان و آگاهان فرمیکه این کاستی جبران شود. کوشیده‌ام در این مجموعه بی طرفی و عدالت را در نوشته‌ها رعایت کنم، که امیدوارم موفق شده باشم.

مثلاً هرگز در پی آن نبوده‌ام که فلان ثروتمند به چه کارهایی برای اندوختن مال و مکنّت دست یازیده است، حلال و یا خدای ناکرده حرام، فقط اگر خود و یا ورثه او

۱- تالیف شمس‌الدین احمد بن محمد بن ابی بکر بن خلکان این کتاب در قاهره به سال ۶۵۴ هـ. ق شروع شده و در آن شرح احوال ۸۴۶ تن از بزرگان، آمده است و مولانا ظهیرالدین اردبیلی آن را به فارسی ترجمه کرده است.

۲- از ابن عماد حنبلی ابوالفلاح عبدالحی بن عمادالدین احمد صالحی (وفات ۱۰۸۹) کتابی به نام شذرات‌الذهب فی اخبار من ذهب که یکی از بهترین کتب اخبار رجال است که از آغاز اسلام شروع و به سال ۱۰۰۰ ختم می‌شود.

۳- کتابی است در احوال بزرگان دو قرن ۱۳ و ۱۴ هجری تالیف میرزا محمدعلی معلم حبیب‌آبادی از انتشارات انجمن کتابخانه‌های عمومی اصفهان

۴- تالیف مهدی بامداد که در این کتاب ۶ جلدی شرح احوال هزاران تن از بزرگان سده ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ آورده شده که بوسیله انتشارات زوار به چاپ رسیده است.

۵- کلیات آثار و احوال سید عبدالکریم غیرت با مقدمه و حواشی و تاریخ کرمانشاه به قلم دانشمند ارجمند سید محمدسعید غیرت در سال ۱۳۳۷ توسط شرکت چاپخانه فردوسی به چاپ رسیده است.

۶- اثر آقا احمدین محمد علی بهیجانی که با مقدمه و تصحیح و حواشی علی دوانی در سال ۱۳۷۰ خورشیدی توسط مؤسسه انتشارات امیرکبیر تهران به چاپ رسیده است.

کاری کرده‌اند ماندگار و خداپسندانه، این نیکویی مدّ نظر من بوده است. خیلی از بزرگانی که به شرح زندگی آنها پرداخته‌ام با القابی چون فلان‌الدوله، بهمان‌السلطنه و ... معروف بوده‌اند و من به اجبار با همان لقب آنها را معرفی کرده‌ام، هر چند می‌دانم که سالارالدوله این شاهزاده خشک مغز و یا فرمانفرما این حاکم مال اندوز به چه قیمتی و با چه انگیزه‌ای القاب را می‌فروخته‌اند، اما القاب خیلی‌ها شایسته و برآورنده آنها و حتی به اندامشان نارسا بوده و شایان القابی فاخرتر بوده‌اند.

بعضی از این بزرگوارانی که در این کتاب معرفی شده‌اند کرمانشاهی نیستند، اما چون اولاد و اعقابشان برای همیشه در کرمانشاه ساکن شده‌اند و یا آثاری عام‌المنفعه از خود به یادگار نهاده‌اند چون مسجد عمادالدوله، کوچه امیر محترم، سکوی حشمت‌السلطنه، مسجد حاج محمدتقی و ... به نظر نگارنده از طریق عاطفی برای کرمانشاهی بودن آنها سند معتبری است.

خدای ناکرده شاید بعضی از معرفی شده‌ها در زندگی کاستی‌هایی هم داشته‌اند اما همین که در ترازوی شناخت اجتماعی آنها نکات مثبت در کفه سنگین بوده، ضعف‌های احتمالی را ندیده انگاشته‌ام.

کوشیده‌ام کلمه مرحوم، شادروان، در گذشته و ... را مطرح نکنم زیرا به مصداق «هرگز نمیرد دلش زنده شد به عشق» این بزرگواران برای همیشه تاریخ زنده‌اند و اما اگر این کلمات بکار برده شده بی‌شک به خواست من نبوده است و مرور زمان را مقصر بدانید. و یا اگر اشتباهی دستوری ملاحظه فرمودید مرا بخشید مثلاً بآء زینت هم می‌تواند جدا و هم پیوسته باشد و یا «که» ربط چه بهتر آنکه جدا نوشته شود و ... کاش می‌شد روال منطقی و یک دست بر کل کتاب حاکم می‌شد، که بی‌شک نشده است. من سال ۱۳۵۰ اقدام به تهیه و تدوین و نسخه‌برداری برای انتشار این کتاب نموده‌ام و از مآخذ و منابع فراوانی بهره گرفته‌ام اما می‌بینید که مآخذ بعضی از زندگینامه‌ها را به یاد نداشته و جایش را خالی گذاشته‌ام، که این کاستی را نیز با همت خود بر من ببخشایید. جا دارد به پاس حق‌شناسی از چند مآخذ که بسیار یاریم داده‌اند نام ببرم.

۱ - تاریخ بغداد^۱ از ابوبکر احمد بن علی بن ثابت معروف به خطیب بغدادی (۳۹۲ - ۴۶۳) که شرح احوال بزرگان، علما، محدثین، فقها و ... که معاصر و یا در سده‌های پیش از نویسنده می‌زیسته‌اند شامل می‌شود که تعدادی از دانشمندان هم دیاری ما که در بغداد، شام، مصر و ... آوازه‌ای داشته‌اند، در این مجموعه ۲۴ جلدی معرفی شده‌اند.

۲ - دیوان سید عبدالکریم غیرت کرمانشاهی (۱۲۵۷ - ۱۳۳۵ خورشیدی) که به همت عارف وارسته و دانشمند فرهیخته سید محمد سعید غیرت در سال ۱۳۳۸ انتشار یافته و بسیاری از بزرگان همشهری در آن شناسانیده شده‌اند.

۳ - جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان^۲ که به کوشش دانشمند ارجمند محمدعلی سلطانی که انشاءالله عمرشان پر دوام باد منتشر شده.

۴ - تاریخ خاندان زندگانه بابان‌نامه کارشناسی ارشد دانشمند جوان محسن رستمی گوران که قلمشان پر توان باد.

تمام این عزیزانی که زندگینامه آنها را قید کرده‌ام سالهای سال است که به رحمت حق پیوسته‌اند، اگر در معرفی بعضی‌ها نواقصی دیده می‌شود و کارهای چشم‌گیر و عامه‌پسندی که کرده‌اند قید نشده، این کاستی‌ها را از مأخذ و منابعی بدانید که در اختیار داشته‌ام، تلاشم این بوده است که دیدگاه خود را دخالت ندهم.

مطالب اکثر زندگینامه‌ها یکسان و شبیه هم هستند، نام پدر، تاریخ و زمان زیست و هنگام مرگ، پست و منصبی که داشته‌اند و کارهایی که انجام داده‌اند، و می‌دانیم که اینها دلیل نمی‌شود که کسی از کس دیگر کپی‌برداری کرده باشد.

زندگی‌نامه‌ها یکی از انواع ادبیات است که به چگونگی شرح زندگی گروهی از نخبگان پرداخته و به مردم می‌شناساند، ممکن است این شرح احوال برای بعضی‌ها مختصر حتی چند کلمه و برای دیگری گسترده و طولانی باشد و این بستگی به میزان بزرگی، نفوذ، زمان، رابطه با فرهنگ‌مداران، داد و دهش‌های فرهنگی و اجتماعی و

۱- تالیف ابی بکر احمد بن علی خطیب بغدادی که شرح احوال هزاران دانشمند را در سده‌های نخستین هجری می‌زیسته‌اند (تا ۴۶۳ هـ.) آورده است این مجموعه در ۲۴ جلد به زبان عربی در سال ۱۹۳۱ میلادی در قاهره به چاپ رسیده است. و متأسفانه هنوز به فارسی برگردانیده نشده است.

۲- تالیف محمدعلی سلطانی که در ۱۰ مجلد در موسسه فرهنگی نشر سها بچاپ رسیده است.

سیاسی و ... دارد مثلاً در تمام تراجم نام ابوحنیفه دینوری^۱ و ابن قتیبه دینوری^۲ با شرح و بسط کامل آمده است، اما بسیاری دیگر یا در هاله‌ای از فراموشی مانده‌اند و یا اگر نامشان آمده بسیار مختصر، ای بسا علما و هنرمندان و بزرگانی که داشته‌ایم که به علت گوشه‌گیری و دوری از به اصطلاح خودنمایی نامشان با خودشان در زیر خروارها خاک مدفون شده و به فراموشی سپرده شده‌اند.

از فرارهایی که برای زندگی‌نامه نویسی می‌شود برشمرد این است که بزرگان، متمولین، قدرتمداران و ... به خود بیایند و بدانند که عمر جاودانه نیست و فقط نام نیک است که می‌ماند، دسی‌بلا بزنند و اقدام به ایجاد بنایی خیریه و خدایسند و مردم‌مدار بنمایند و برای همیشه تاریخ نام و آوازه نیکوکاری خود را بیمه کنند.

و اما یک گلایه و آن اینکه برای چاپ و انتشار این تحقیق که از نظر مالی در توان من نبود، بهر در زدم از میراث فرهنگی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، شخص استاندار وقت که خود را کرمانشاهی می‌دانست، تا مراجعه به بانک‌ها برای گرفتن وام و ... که جواب همه و همه مایوس‌کننده بود، میراث فرهنگی این کار را وظیفه خود نمی‌دانست و مرا در مقابل این پرسش بی‌جواب گذاشت که آیا زندگی‌نامه بزرگی که در سده دو یا سوم هجری می‌زیسته میراث فرهنگی است یا فلان هتل که عمری کوتاه دارد؟! مجبور شدم که دست به دامن انجمن آثار و مفاخر فرهنگی بشوم، تمام نوشته‌ها را فتوکپی کرده با طرح روی جلد که نوشته بود زندگی‌نامه بزرگان کرمانشاه با امید بسیار ارسال کردم بعد از مدتی جوابی نه در شأن این انجمن برایم رسید که نوشته بود شورای علمی!! تحقیق شما در مورد بزرگان کردستان را خواندند و چون چنین کتابی قبلاً چاپ شده، کار شما در اولویت قرار نگرفت بعد نام چند کتاب که اصولاً ربطی به کار من نداشت قید کرده بود. ظریفی که جوابیه محققین انجمن آثار و مفاخر فرهنگی را دید به طنز گفت کتاب موش و گربه را فراموش کرده‌اند بنویسند، و من بسیار تعجب کرده که اینها چگونه شورای علمی!! هستند که نمی‌دانند کرمانشاه و کردستان دو استان جدا از هم می‌باشند. آخرین تیری که در کمان داشتم را هم کردم و

۱- برای آشنایی با زندگانی ابوحنیفه به متن کتاب مراجعه شود.

۲- برای آشنایی با زندگانی ابن قتیبه به متن کتاب مراجعه شود.

آن هم مراجعه به استاندار بود که خود را کرمانشاهی! می‌دانست که یکاش با او تماس نمی‌گرفتم، این همشهری ارجمند پنداشته بود که من برای گدایی دستم را به سوی او دراز کرده‌ام بسیار مؤدبانه جواب منفی به من داد و بسیار مهمان‌نوازانه مرا تا پای پله‌ها مشایعت کرد و با این استقبال و بدرقه شیرینش آن چنان کام مرا تلخ کرد که از خداوند غفور خواستار بودم که ای کاش یا من کرمانشاهی نبودم و یا جناب استاندار.

بهرحال در دو سده اخیر به مناسبت بسط علم و دانش و انتشار کتابها و روزنامه و مجلات و گسترده‌ی روابط رسانه‌ای بسیاری از بزرگان و رجال و هنرمندان شناسانیده شده و درخشش این پدیده‌ها اکثر قریب به اتفاق نام‌آوران عرصه‌های گوناگون را به میزان شناخت اجتماع آورده است، مثلاً در کتاب «شرح حال رجال ایران» تالیف مهدی بامداد زندگینامه تقریباً ده هزار نفر از رجال سده ۱۲ و ۱۳ را نام برده که متأسفانه از کرمانشاه ما با این همه توان فکری و بالایی و فرهنگ‌پژوهی، تعداد انگشت‌شماری معرفی شده‌اند آن هم یا کسانی بوده‌اند که با دربار سر و سری داشته‌اند مانند وکیل‌الدوله‌ها و یا افرادی که از این شهر کوچ کرده و مقیم پایتخت شده‌اند مانند دکتر محمد کرمانشاهی و رشید یاسمی. که این کاستی دردی است گران و جبران ناپذیر، چه کسی را باید مقصر دانست؟ پژوهشگران؟ دولتمردان؟ تواضع و دوری از مطرح شدن بزرگان را؟ و یا فرهنگ ویژه مردمان این دیار را؟

مگر نه اینکه می‌بایست روزی این کاستی و کمبود تا حد امکان از بین برود و لااقل آیندگان این اقبال را داشته باشند که با گذشته‌ها و تاریخ درخشان سامان خود آشنا شوند. امیدوارم توانسته باشم در این راه گامی هر چند نارسا برداشته باشم. بهتر بود بزرگان این مجموعه را با توجه به سال تولد یا وفات آنها می‌شناساندم، اما چون خیلی از آنها فقط سده زیستشان قید شده مجبور شدم که به ترتیب حروف الفبایی به معرفی آنها بپردازم.

بعضی از تصاویر در پایان کتاب آمده که شرح احوال ندارند، فقط می‌دانم که از بزرگان، حکام، دانشمندان و ... هم دیاریم بوده‌اند امید آنکه در چاپ بعدی این نقصه نیز جبران شود.

امکان دارد که کسی را دوبار با دو اسم و لقب متفاوت معرفی کرده باشم، که انشاء الله چنین چیزی نباشد می‌دانم که در این مقدمه کاستی‌ها، زیاده‌نویسی‌ها، از قلم

افتادگی‌ها و ... بسیاری وجود دارد که معلول علت‌های گوناگونی است که نخستین آن بضاعت اندک علمی من است و دیگر بیماری من که مدتها در بیمارستان بستری بودم و مقداری از این مطالب در بستر بیماری نوشته شده و علت دیگر فوت خواهر بزرگوارم که سخت در من اثر گذاشت، پس از قلمی نارسا، تنی رنجور و دلی سوگوار بیش از این انتظار نباید داشت.

و اما طول زمان از یادم برده است که چه کسانی را باید نام ببرم که یاریم داده‌اند و از آنها سپاسگزاری کنم، اما عزیزانی که در دهه اخیر برای تدوین این کتاب کوش و کوششی داشته‌اند یکی بررگرم، دانشمند عزیز جناب آقای رخشا می‌باشد که در ترجمه متون از عربی به فارسی به یاریم شتافتند، که دستشان را می‌بوسم. دیگر از استاد هنرمند جناب آقای ایرج هندسی که زندگینامه بعضی‌ها را در اختیارم گذاشته‌اند بسیار سپاسگزارم. از جوان هنرمند آقای بابک نیری و همسر ارجمندشان سرکار خانم کرانی و همچنین از جوان فرهیخته آقای سعید شرافتی زنگنه مدیر محترم انتشارات باغ نی کمال تشکر دارم. از ادب‌مداران و فرهنگ پژوهانی که بهر نحوی از انجا انگشت اشارتشان مرا به شناخت بزرگی کشانیده و یا تصویر عزیزی را در اختیارم قرار داده‌اند سپاس دارم و در برابر همه سر تعظیم فرو می‌آورم.

شهریور ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و نه

کرمانشاه - بیمارستان قلب امام علی

فرشید یوسفی